



ملکوت در سوره مبارکه یاسین

مجتبی انصاری

چکیده

به یاد دارم، در ترجمه آیاتی از قرآن کریم که واژه ملکوت در آنها آمده است (الانعام ۶/، ۷۵، الاعراف، ۷/ ۱۸۵، المؤمنون، ۲۳/ ۸۸ و یس، ۳۶/ ۸۳) بسیار اندیشه کردیم که آیا می شود برای این واژه در فارسی برابری یافت یا این که ناگزیر می باید واژه های عربی آن را بر جای گذاشت. واقعیت این است که دلالت لفظی این واژه به اندازه معنای آن شکوهمند و فخیم است. سرانجام این بنده به این نتیجه رسیدم که می باید این واژه را در اوج شکوهمندی و فخامتش در ترجمه فارسی نیز به همین صورت آورد و دلالت آن را در تفسیر بیان کرد.

کلیدواژه: ملکوت، یاسین، واژه عربی، واژه فارسی، تفسیر.

واژه ملکوت در آیات

ملکوت در سوره های انعام و اعراف، به عبارت «ملکوت السموات و الارض» و در سوره های مؤمنون و یس به عبارت «ملکوت کل شیء» آمده است.

در سوره انعام می فرماید: «وَكَذَلِكَ نُرِي اِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ وَلِيَكُونِ مِنَ الْمُوقِنِينَ» (الانعام، ۷۵/۶)؛ و بدینسان ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم، می نمایانندیم تا از یقین کنندگان باشد».

در سوره اعراف نیز می فرماید: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ افْتَرَبَ أَجْلُهُمْ قَبَائِلَ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ» (اعراف، ۷/۱۸۵)؛ آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و در هر آن چیزی که خداوند آفریده است و آنکه شاید سرآمدشان نزدیک باشد، ننگریسته‌اند؟ پس از آن [قرآن] به کدامین سخن، ایمان خواهند آورد؟

در سوره مومنون هم می فرماید: «قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (المؤمنون، ۲۳/۸۸)؛ بگو چه کسی است که ملکوت هر چیز به دست اوست و اوست که امان می دهد و [بر خلاف امان] او [به کسی] امان داده نمی شود. اگر می دانید [بگویید].

سرانجام در آخرین آیه سوره یس شکوهمندانه می فرماید: «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس، ۳۶/۸۳)؛ پاک است آن خدایی که ملکوت هر چیزی به دست اوست و به سوی او بازگردانده می شوید».

دلالت واژه ملکوت در زبان عرب

پیش از آن که دلالت‌های مختلف این واژه در چهار آیه پیش گفته را بیان کنیم لازم است دلالت زبانی این واژه در عربی معلوم شود. راغب اصفهانی می گوید: ملکوت و «ملک» خداوند متعال و مصدر «مَلَكَ» است که «ت» در آن وارد شده است، مانند «رحموت» و «رهبوت»^۱. بنابراین برداشت که ملکوت مصدر ویژه ملک باشد، دایره دلالت این واژه بسیار محدود می شود و قطعاً باید آن را به دارایی معنی کرد، یعنی دارایی آسمان‌ها و زمین و هر چیزی، از آن خداست. به نظر می رسد محدود ساختن این واژه به عنوان مصدر «ملک» ستم بزرگی به آن باشد و با دلالت آیات نیز سازگاری ندارد. اما صاحب لسان العرب برخلاف راغب چنین باور ندارد معتقد است برای مُلک و مَلک نیز می آید و می گوید: و مُلک الله تعالی و ملکوته: سلطانه و عظمته، و لفلان ملکوت العراق، ای عزه و سلطانه و ملکه - عن اللحياني - و الملكوت من الملک، کالرهبوت من الرهبة و يقال للملكوت «ملکوة»، و يقال: له ملکوت العراق و ملکوة العراق ايضاً... ابن سيده: المَلِكُ و المُلْكُ و المَلِكَةُ احتواء الشيء و القدرة على الاستبداد به...^۲ مُلک و ملکوت خداوند متعال یعنی:

قدرت و عظمت او. و در عربی می گویند: «فلانی ملکوت عراق را دارد»، یعنی شکوه و قدرت و فرمانروایی اش در اختیار اوست. [از لحنی روایت کرده اند] که ملکوت از مُلک گرفته شده است، چنان که رهبوت را از رهبه گرفته اند و برای ملکوت، «مُلکُوت» نیز می گویند و گفته اند: ملکوت العراق و ملکُوت العراق... ابن سید، می گوید: مُلک و مُلک و مُلک به معنای فراگرفتن و قدرت بی همتا داشتن بر یک چیز است. مصدر اشتقاق این واژه هر چه که باشد، مُلک، مُلک یا مُلک و یا هر سه آنها که معرکه آرای زبان شناسان است و به تفصیل در این باره سخن گفته اند و به نظر می رسد، دلالت معنای لغوی آن را می باید در گستره فراختری جستجو کرد تا به دلالت قرآنی آن نیز نزدیک تر شود.

دلالت قرآنی واژه ملکوت

نکته دیگری که باید به آن توجه شود و بیان نیز خواهد شد این است که دلالت قرآنی این واژه نظر به بار معنایی معرفتی و شهودی اش بسیار پدیده تر از دلالت زبانی آن است. زیرا از یک سوی باید در نظر داشت ملکوت آسمان ها و زمین، موضوع آیه ۷۵ سوره انعام، همان نیست که در آیه ۱۸۵ سوره اعراف آمده است. زیرا در سوره انعام به عنوان عنایتی موهوبی و فضلی الهی و منشأ یقین، از نمایاندن ملکوت آسمان ها و زمین به ابراهیم یاد می شود، که بار عرفانی دارد و از حیث معرفت شناختی بایسته تحقیق است، اما در آیه ۱۸۵ سوره اعراف مخاطب منکران هستند و از آنان می خواهد در ملکوت آسمان ها و زمین بنگرند و یا مسلم گرفته است و می فرماید: «آیا در ملکوت آسمان ها و زمین ننگریسته اند»، به راستی آیا می توان معنای این دو عبارت را یکی گرفت.

دو دیگر آن که تفاوت این دو عبارت، که در ظاهر یکی می نمایند، با در نظر داشتن فحوای عبارت، متفاوت هستند، زیرا وقتی خطاب متوجه ابراهیم است، کلام ایجابی وارد شده است و وقتی خطاب متوجه منکران است، کلام پرسشی در میان آمده است. همچنین نمایاندن ملکوت به آن بزرگوار به خدا نسبت داده شده است، یعنی: ما به او نمایانیم، در حالی که از منکران پرسش شده است آیا خود ننگریسته اند، نمایاندن الهامی از مصادیق شناخت موهوبی است، علم و عرفانی که خدا به انسان عنایت می کند و مواردش بسیار

در قرآن کریم آمده است .

دیگر آن که برآیند نمایاندن ملکوت آسمان‌ها و زمین از جانب خدا به حضرت ابراهیم (ع) ایقان است ، «وَلْيَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (الانعام، ۷۵/۶) و اهل عرفان ایقان را پس از اسلام و ایمان و احسان بالاترین مرتبت شناخت می‌دانند . در حالی که درباره منکران از ایمان هنوز به دست نیامده ، سخن می‌گوید ، یعنی نتیجه اش این است : «وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ» (الاعراف، ۱۸۵/۷) . اینها همه از مصادیق شگرف نظم قرآنی هستند که هر واژه و عبارت در جای خود معنای ویژه‌ای را افاده می‌کند . نتیجه‌ای که از این آیات می‌توان گرفت آن است که ملکوت ، در حقیقت می‌باید معنایی بس بالاتر و والاتر از ملک و ملوک و ملک ، دارایی و پادشاهی و قدرت و عزت و شکوه داشته باشد ، معنایی متعالی ، شکوهمند ، فراظاهری ، غیرنموداری و بلکه باطنی ، به ویژه در دو آیه گرانسنگ دیگر از ملکوت هر چیز ، یعنی همه موجودات سخن در میان می‌آید ، ملکوت هر چیزی که به دست خداست و آسمان‌ها و زمین تنها بخشی از آن هستند . از این روی حتی خردگراترین مفسران قرآن کریم ملکوت آسمان‌ها و زمین را ربوبیت و الوهیت خداوند متعال دانسته‌اند ، چنان که زمخشری می‌گوید : «ملکوت السموات و الارض» یعنی : ربوبیت «آفریدگار بودن» و الوهیت «معبود بودن» خدای متعال . به عبارت دیگر ، یعنی : به او توفیق خواهیم داد که خدا را بشناسد و با گشودن سینه اش او را راهنمایی می‌کنیم و رأی و نظرش را استوار می‌داریم و او را به طریق استدلال رهنمون می‌شویم . همه این کارها را برای آن می‌کنیم تا اهل یقین باشد .^۳ مهم این نیست این مفسر بزرگ به پیروی از مشرب فکری اش مراد از نمایاندن ملکوت آسمان‌ها و زمین به ابراهیم (ع) را «رهنمون شدن به طریق استدلال» ترجمه کند ، بلکه مهم آن است که نتیجه اش شناخت حضرت حق ، جلّ و علاء آن هم به ایقان بود .

واژه ملکوت نزد عرفا

عرفا تعبیرهای گوناگونی از عالم ملکوت کرده‌اند و برخی آن را جای بود فرشتگان دانسته‌اند و برخی عوالم مجرد ، گروهی عالم غیب و جهان ناپیدا و نامشهود ، فضایی روحانی که سالکان راستین همواره مشتاق آنند . چنان که ذوالنون مصری دعا می‌کند : الهی چنان

که تو آنان - عرفا - را به شکوه چنین جایگاهی گرامی داشته‌ای و اوج چنین فضایل را به آنان بخشیده‌ای، دل‌های ما را نیز به ریسمان محبت خویش گره بزنی، آنگاه آن را در ملکوت آسمان‌ها و زمین است، بگردان و پله پله ما را به آنجا برسان که خود می‌خواهی».^۴

در کشف اصطلاحات الفنون نیز آمده است: ملکوت در اصطلاح عرفا به طور مطلق بر صفات اطلاق می‌شود. و اگر مطلق بیاید ویژه صفات الهی است. درباره اطلاق آن بر صفات باید گفت، برای آن است که خداوند متعال در هر چیزی ملکوتی دارد تا با صفات، در هر موجود مرده و زنده‌ای، تصرف کند و صفات، ابزار تصرف و پیوند تألیف بین اسما و صفات هستند، مانند لطف و مهر که بین لطیف و ملطوف و قهار و مقهور در میان می‌آید و از این جهت به آن صفات ملکوت می‌گویند. و بین هر ربّ و مربوبی نسبت ویژه‌ای وجود دارد که ملکوت آن است و به دست فرمانروای جبار است که با آن در مربوب خود تصرف می‌کند. اما ویژه بودنش به اطلاق بر صفات الهی برای آن است که ملکوت، هر چند در قوای روحانی و نفسانی و طبیعی‌ای که روابط تصرف در هستی هستند، وجود دارند، اما باید دانست آنچه بایسته‌ی صفات ازلی است، ملکوت اعلی است و جز آن هر چه هست ملکوت ادنی است، که ملکوت برای صفات الهی ویژه گردانیده شده است. بدان، آنچه را که در همین جهان دنیایی (فروتر) با سلب برخی خواص و جایگزین کردن برخی خواص دیگر به جای آنها به و اصلان به حق داده‌اند، تصرف در ملکوت ادنی است و اصل خوارق عادات و معجزات به شمار می‌آید. و دارندگان چنین تصرفی درجات متفاوتی دارند. به برخی از آنان تنها تصرف در ملکوت عناصر بخشیده‌اند، مانند تصرف ابراهیم (ع) در ملکوت آتش با سرد گردانیدن آن و تصرف موسی (ع) در ملکوت آب و زمین با شکافتن و تفجیر و تصرف سلیمان (ع) در ملکوت هوا با تسخیر. برخی دیگر از پیامبران نیز هستند که تصرف در ملکوت آسمان را به آنان بخشیده‌اند، مانند تصرف پیامبر ما (ص) در ملکوت ماه با شکافتن آن...^۵

در این برداشت ملکوت عبارت از حقیقت، معنا و باطن چیزهاست. و برخی هم آن را عالم ارواح دانسته‌اند.^۶

مادّی ترین تفسیر از ملکوت

مادّی ترین تفسیری که از ملکوت کرده اند آن است که ملکوت آسمان ها را خورشید و ماه و اختران و ملکوت زمین را کوه ها و درختان و دریاها دانسته اند که نه با نمایاند خداوند متعال به حضرت ابراهیم سازگار است، مثلاً خود درختان را نمایاند تا چه شود. و دیگر آن که با «ملکوت کلّ شیء» راست نمی آید و آنچه بیان شد همه تفسیر هستند و هر چه هست «ملکوت» مانند بسیاری از واژگان قرآنی دارای حقیقت شرعیه - قرآنی - ترجمه پذیر نیست و از حیث تفسیری هم بایسته پژوهش بیشتری است.



۱. المفردات/ذیل «ملک».
۲. لسان العرب، ۶/ ۴۲۶۶-۴۲۶۷/ «ملک».
۳. ترجمه تفسیر الکشاف، ۲/ ۵۶.
۴. قطب العارفين ذوالنون مصري «ترجمه: الكوكب الذرى
۵. كشاف اصطلاحات الفنون، ۲/ ۱۶۴۲.
۶. التعريفات «ابن عربى»/ ۲۲.
۱۹۰. فى مناقب ذى النون المصرى/